

Journal of Fiqh and Usul

Vol. 51, No. 4, Issue 119

Winter 2020

DOI: <https://doi.org/10.22067/jfu.v51i4.68818>



انفهور

سال پنجاه و یکم، شماره ۴، شماره پیاپی ۱۱۹، دانشگاه زوبی

زمستان ۱۳۹۸، ص ۷۵-۹۲

نقد و تحلیل دیدگاه مشهور در تعیین سال خمسی و دوره زمانی کسر مئونه از ربح*

دکتر محمدرضا کیخا^۱

دانشیار دانشگاه سیستان و بلوچستان

Email: kaykha@hamoon.usb.ac.ir

محمدعلی قادری

دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان

Email: mohamad.gh.fani@gmail.com

چکیده

خمس ارباح مکاسب، به اجماع فقها پس از کسر مخارج عرفی فرد و عائله واجب النفقه، محاسبه می‌شود؛ از این رو تعیین مبدأ و پایان زمانی جهت محاسبه مئونه ضروری است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که اولاً: در هیچ موضعی از روایات، تصریح به تعیین سال خمسی نشده است و روایت علی بن مهزیار مورد استناد هم منطبق بر شرایط استثنایی آن دوره، از معصوم صادر شده و در این مسئله قابل استناد نیست. حجیت اجماع منقول نیز با توجه به مخالفت برخی از فقها و مدرکی بودن و تنافی با روایت امام صادق (ع) مردود است. از سویی مبدأ این واجب موسع، نه شروع به کسب است و نه سپری شدن یک سال از شروع به کسب یا ظهور ربح، بلکه تنها معیار وجوب خمس، ظهور ربح و مازاد بر مئونه بودن است. تفصیل بین مشاغل با درآمدهای تدریجی و دفعی، نیز بی‌مبنا است.

کلیدواژه‌ها: خمس، سال خمسی، متعلق خمس، مئونه.

* تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۰۸/۲۷؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۷/۰۴/۱۶. (این مقاله بنابر نظر داوران و مصوبه هیئت تحریریه، علمی پژوهشی محسوب است.)

۱. نویسنده مسئول

Critique and analysis of the famous opinion on determination of Khumsi year and the period of deducting expense from profit

Mohammad Reza Kheikhah, Ph.D. Associate Professor, University of Sistan and Baluchestan (Corresponding Author)

Mohammad Ali Ghaderi, Ph.D. Student of Islamic Jurisprudence and Foundations of Islamic Law, University of Sistan and Baluchestan

Abstract

According to the Islamic jurists' Idjma, Khums of profits of income must be calculated after deduction of customary expenses of the duty-bound and those family members entitled to receive maintenance; hence the need to determine the beginning and end of a period to calculate expenses. The results of this research are as follows: first. Determination of Khumsi year has not been expressed in any parts of the narrations and the Ali ibn Mahzyar's narration which is resorted to has been issued by the Infallible under the exceptional circumstances of the particular time and recourse may not be had thereto in this regard. The authority of narrated Idjma is also refused given the opposition of some Islamic jurists and the fact that its source is known and due to its contradiction with Imam Sadegh's narration. In addition, the beginning of this expanded duty is not either the start of the business or lapse of one year from the start of the business or the rise of profit, but the only criteria for duty to pay Khums is the rise of profit and it being surplus to expenses. Distinction between businesses with immediate or gradual incomes is meaningless too.

Keywords: khums, khumsi year, khums subject, expense

مقدمه

یکی از متعلقات خمس «ارباح مکاسب» است. هرکسی از کسب مشروعی سودی به دست آورد، بعد از اخراج مئونه^۱ سالیانه خود و عیال واجب النفقه‌اش، باید از باقیمانده سود، خمس آن را بپردازد. این مورد خمس از مسلمات نزد علماء شیعه است، علاوه بر اجماعی بودن این حکم در میان شیعه، در روایات عامه نیز اشارتی بدان آمده است (ابن حسام، ۶۵/۷). بنابر دیدگاه علماء معاصر و مشهور علماء قدیم، مئونه‌ای که از سود کسر می‌شود، برای یک بازه زمانی یکساله محاسبه می‌گردد؛ که شروع آن از زمان شروع به تکسب یا ظهور اولین ربیع بوده و شامل تمامی شغل‌ها - چه شغل‌های با درآمد دفعی و چه درآمد تدریجی - می‌شود. اما این شیوه محاسبه با اشکالاتی مواجه است که عبارت‌اند از:

اولاً: از حیث ادله نقلیه، هیچ دلیل صریحی بر تعیین سال خمسی و کسر مئونه به شیوه مذکور وجود ندارد.

ثانیاً: با بررسی روایات باب خمس در می‌یابیم، که شارع با حکم جواز کسر مئونه از سود، به دنبال پیش‌گیری از ایجاد عسر و حرج و فقر برای مکلفان است. اما بر اساس شیوه رایج، اگر فرد فقیر و محتاجی، لحظاتی قبل از اتمام سال خمسی اش مالی را کسب کند، باید خمس آن را بپردازد، اگرچه خود به آن محتاج باشد. خصوصاً اگر قائل باشیم به اینکه هدیه و ارث و امثال این‌ها نیز متعلق خمس هستند؛ در این صورت حتی صدقه‌ای که به فقیر داده می‌شود نیز خمس دارد. حال آنکه سیره معصومان کمک به فقراء و مساکین بوده است، نه آنکه برسختی زندگی‌شان بیافزایند.

ثالثاً: در این شیوه معنای حقیقی کسر مئونه تحقق پیدا نمی‌کند. چرا که مکلف مجالی برای کسر مئونه به معنای تهیه موارد نیاز حقیقی خود و عیالش، نخواهد داشت. خصوصاً در مورد کسانی که دارای درآمدهای تدریجی بوده و یا کسب اتفاقی دارند؛ و درآمدهای روزهای پایانی سال خمسی به‌دست می‌آورند.

رابعاً: اگر مکلفی دارای کسب دیر بازده باشد (همانند بسیاری از تجارت‌ها) و در طول سال به سود کارش دست نیافت و تنها یک روز بعد از سال خمسی به سود کلانی رسید؛ در این صورت براساس شیوه محاسبه رایج، او ملزم به پرداخت خمس از آن مال نخواهد بود. ولی اگر یک روز قبل آن را به دست می‌آورد، باید یک پنجم آن را می‌پرداخت. و این علاوه بر باز کردن یک راه حيله شرعی، باعث عدم تفاوت بین غنی و فقیر شده، که خلاف مقصود شارع است. زیرا مکلفان می‌توانند با تبانی، دریافت سود خود را تا شروع سال خمسی جدید به تأخیر اندازند.

۱ معنای لغوی مَوْنًا و مَوْنَةٌ [مَوْن]؛ مخارج او را تأمین نمود و روزی او را بر عهده گرفت (زبیدی، ۷۷۲).

لذا در این مقاله قصد داریم ضمن بررسی مبانی و نظرات فقهاء در زمینه مبنای محاسبه مبدأ سال خمسی، نقدهای مطرح بر شیوه مذکور را بررسی کنیم و پاسخی منطقی و علمی برای سؤالات ذیل به دست آوریم:

اولاً: بر فرض قبول استثنای مئونه کسب و عیال از این قسم، بازه زمانی استثنای مئونه، کدام است؟ روز یا ماه یا سال؟ و ثانیاً: مبدأ سال خمسی از چه زمانی خواهد بود؟ زمان تکسب یا زمان ظهور یا حصول ربح؟ ثالثاً: زیادتی ربح - چه بر مبنای زمان تکسب و چه زمان ظهور و حصول ربح - بعد از محاسبه مئونه در مورد افراد چند شغله و افرادی که دارای درآمد تدریجی هستند، چگونه محاسبه می‌شود؟

بازه زمانی محاسبه مئونه

محاسبه مئونه امری ساری است که تدریجاً اتفاق می‌افتد و در ظرف زمان امکان‌پذیر است. لذا ضروری است به این سؤال پاسخ داد که بازه زمانی محاسبه مئونه چه قدر است؟ پاسخ به این سؤال، با این مشکل مواجه است که در روایات اسمی از زمان محاسبه مئونه نیامده و مشهور بین علماء (مکارم، انوار الهدایه، ۳۷۳) این است که گذر یک سال در هیچ یک از انواع خمس شرط نیست، اما در خصوص سود کسب، تسالم فقهاء دلالت دارد بر این که مکلف اجازه دارد در یک دوره زمانی یک ساله، مئونه را محاسبه نموده^۱ و هر آنچه اضافه آید، خمس آن را بپردازد.^۲ و دلایل مطرح از جانب برخی از علماء^۳ بر اثبات آن عبارت است از:

۱. **اجماع:** ابن ادریس حلی (۴۸۹/۱) و علامه حلی (تذکره، ۲۵۳/۱) از فقهای هستند که در این مسئله تصریح به اجماع کرده‌اند، اما مخالف این دیدگاه، «ابن براج» است که در کتاب المهدب خود می‌گوید: «زمان وجوب اخراج خمس، وقت حصول مال است؛ بدون در نظر گرفتن گذشت سال یا چیز دیگری». (ابن براج، ۱/۱۷۹).

اما اثبات تحقق اجماع در این مسئله، مشکل است. چراکه برخی از علماء، اصل وجوب خمس ارباح مکاسب را ذکر نکرده‌اند (طباطبائی حائری، ۱/۲۹۶؛ صیمیری، ۱/۲۹۸)، چه برسد به تعیین سال خمسی. و فارغ از آن، با توجه به استدلال علماء به روایت علی بن مهزیار، اجماع مذکور مدرکی بوده و عدم حجیت

۱ مشهور علماء معتقدند، وجوب پرداخت خمس با ظهور ربح یا شروع به تکسب است و تأخیر آن تا یک سال از باب احتیاط است. (فیض کاشانی، مفاتیح الشرایع، ۱/۲۲۷؛ امام خمینی، تحریر، ۱/۳۶۱). اما ابن ادریس حلی، پرداخت خمس را تنها پس از گذشت یک سال واجب می‌داند (۱/۴۸۹).

۲ رک: علامه حلی، ارشاد، ۱/۲۹۲، محقق حلی، ۱/۶۳؛ شهید اول، ۱/۲۵۸، و شیخ طوسی، الخلاف، ۲/۱۱۸ و...

۳ از جمله: صاحب مدارک، ۵/۳۸۵ و صاحب جواهر، ۱۶/۷۹ و محقق اردبیلی، ۴/۳۱۷.

آن واضح است (شوشتری، ۱/۴۴). خصوصاً که روایت مذکور که در ذیل بررسی شده، از نظر مدلول مطرود است.

۲. روایات: در مورد روایات به دو صورت استدلال شده است. اول: آقای بروجردی یک استدلال کلی در مورد روایات باب خمس دارند، به این صورت که: «عمده ای از روایات در باب محصولات کشاورزی است که محصول آن‌ها به صورت سالیانه حاصل می‌شود و مئونه نیز به همان نسبت یکساله کسر می‌شود و از طرفی با توجه به یکسان بودن حکم وجوب خمس در محصولات کشاورزی با صنایع و تجارت، مشخص می‌شود که این موارد نیز باید سال به سال لحاظ شود.» (بروجردی، زبدة المقال، ۹۱).
دوم: استدلال به تنها روایتی که در آن اشاره به «زمان» شده - البته برای پرداخت خمس، نه کسر مئونه - روایتی طولانی از علی بن مهزیار است (حرعاملی، ۵۰۱/۹) و برخی از فقهاء (مکارم، انوار الهدایه، ۳۳۳؛ بروجردی، زبدة المقال، ۹۲) به چهار جمله از آن استناد کرده‌اند: جمله اول: «وَلَمْ أُوجِبْ ذَلِكَ عَلَيْهِمْ فِي كُلِّ عَامٍ» جمله دوم: «إِنَّمَا أُوجِبْتُ عَلَيْهِمُ الْخُمْسَ فِي سَنَتِي هَذِهِ فِي الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ الَّتِي قَدْ حَالَ عَلَيْهِمَا الْحَوْلُ» جمله سوم: «فَأَمَّا الْغَنَائِمُ وَالْفَوَائِدُ فَهِيَ وَاجِبَةٌ عَلَيْهِمْ فِي كُلِّ عَامٍ» جمله چهارم: «فَأَمَّا الَّذِي أُوجِبُ مِنَ الصِّيَاعِ وَالْغَلَّاتِ فِي كُلِّ عَامٍ» و استدلال شده است که با توجه به استعمال کلمه سال در این عبارات، خصوصاً عبارت «فَأَمَّا الْغَنَائِمُ وَالْفَوَائِدُ...» کسر مئونه و پرداخت خمس باید سال به سال صورت گیرد، چراکه امام با در نظر گرفتن پیش فرض ذهنی مردم در مورد سال خمسی این بیان را فرمودند (بروجردی، زبدة المقال، ۹۲ - ۹۳).

تحلیل و نقد ادله:

اول: در پاسخ به دیدگاه بروجردی باید گفت اولاً: اگرچه تمام مکاسب از جهت عنوان، تحت موضوع حکم وجوب خمس قرار می‌گیرند، و از جهت قید کسر مئونه نیز یکسان هستند، اما عقلاً و عرفاً کسر مئونه زمانی ممکن است که ربیع حاصل شده باشد، پس بین کسر مئونه و زمان حصول ربیع تلازم است و این تنها معیاری است که از اطلاق روایات استدراک می‌شود و پس در تمام مکاسب - فارغ از تدریجی الحصول بودن یا دفعی بودن - معیار حصول ربیع است، نه گذر سال.

دوم در مورد روایت علی ابن مهزیار از جهت سند این روایت صحیح السند است و تمام رواات آن ثقه هستند (ر.ک: مکارم، انوار الهدایه، ۳۰۴). پس از جهت سند نمی‌توان به آن خدشه‌ای وارد نمود. اما از

۱ ر.ک: روایت امام رضا (ع): «... أن الخمس بعد المئونه» (حرعاملی، ۵۰۸/۹) و روایت از امام صادق (ع): «...حَتَّى الْخِيَابُ - بِخَيْطٍ قَمِيصاً بِخُمْسِهِ دَوَانِيقَ - فَلَنَا مِنْهُ دَانِقٌ - إِلَّا...» (همو، ۵۰۳/۹)

نظر دلالت و ظواهر بر آن اشکالاتی وارد شده و تعدادی از علماء، ظاهر آن را مطرود دانسته‌اند (عاملی، ۳۷/۵). و برخی از علماء نیز در صدد پاسخ برآمده‌اند (سبحانی، ۲۸۰) که تفصیل آن چنین است:

نقد استناد بر عبارت اول: کلمه «عام» در عبارت «فی کلّ عام...»، اشاره به تشریح سال خمسی و کاشف از رخصت امام به مکلفان، جهت کسر مئونه نیست. بلکه عبارت مذکور به دایره زمانی حجیت خود حکم اشاره دارد. دلیل این معنا این است که:

اولاً: امام (ع) پیش از بیان عبارت مذکور، در ابتدا به عنوان مقدمه نکاتی را می‌فرمایند، از جمله: «همانا آن چه واجب اعلام می‌کنم تنها در سال جاریست... و کراهت دارم از بیان برخی مطالب به جهت خوف از انتشار آن»^۱ و «قصد دارم شیعیان را در سال جاری در امر خمس پاک کنم»^۲. کلمه «سال» در تمام این عبارات به عنوان قیدی برای حکم است، تا مردم بدانند حکم امام مخصوص همان سال است. و سپس امام با بیان عبارت «وَلَمْ أُوجِبْ ذَلِكَ عَلَيْهِمْ فِي كُلِّ عَامٍ» به صراحت فهماندند که حکم امسال با سال‌های گذشته متفاوت است و برخلاف آن سال‌ها - که پرداخت خمس واجب نبود - امسال واجب است. پس اساساً ذکر «سال» در تحدید موضوع حکم و تعیین متعلق خمس و شیوه پرداخت آن نقشی ندارد. ثانیاً: هدف امام از ذکر سال «۲۲۰ ق» اخبار از حادثه مهمی است که در انتظار جامعه بود، و آن اتمام عمر شریف حضرت بود. لذا دریافت مفهوم سال خمسی مصطلح از این عبارات صحیح نیست؛ خصوصاً که سال خمسی تمام مردم یکسان نیست و همچنین امام هم در مقام بیان تعیین سال خمسی نبودند.

نقد استناد به عبارت دوم: «إِنَّمَا أُوجِبْتُ عَلَيْهِمُ الْخُمْسَ...»

اولاً: اگر محل استشهداد، کلمه «فِي سَنَتِي هَذِهِ» باشد، علاوه بر موارد قبل، باید توجه شود «سنة» قیدی برای حکم است، نه قیدی برای تعیین دوره کسر مئونه و پرداخت خمس. خصوصاً که ادات حصر در ابتدای آن آمده و آن را محدود به همان سال کرده.

ثانیاً: اگر محل استشهداد عبارت: «قَدْ حَالَ عَلَيْهِمَا الْحَوْلُ» باشد. و بخواهند بگویند امام (ع) با این عبارت فهماندند که برای تمام متعلقات خمس یک سال مهلت وجود دارد. باید در پاسخ گفت اولاً: اگر «گذشت یک سال» در تمام موارد ارباح مکاسب شرط بود، نباید امام این قید را فقط در مورد طلا و نقره به کار می‌برد؛ بلکه برای موضوعات بعدی هم ذکر می‌نمودند. ثانیاً: عبارت قبل، یک قرینه است که حکم مذکور برای اعم از مشافهین و حاضرین و غیر آن نیست. بلکه یک تخفیف با توجه به شرایط آن زمان است. ثانیاً: مهلت یکساله، تنها در ارباح مکاسب پذیرفته شده، نه در موارد دیگر خمس. ولی روایت عام

۱ «إِنَّ الَّذِي أُوجِبْتُ فِي سَنَتِي - هَذِهِ وَ هَذِهِ سَنَةٌ عَشْرِينَ وَ مَائَتِينَ فَقَطْ - لِمَعْنَى مِنَ الْمَعَانِي أَكَرَهُ تَفْسِيرَ الْمَعْنَى كُلَّهُ - خَوْفًا مِنَ الْإِنْتِشَارِ»
 ۲ «وَأَرْكَبُهُمْ بِمَا فَعَلْتُ مِنْ أَمْرِ الْخُمْسِ فِي عَامِي هَذَا»

است و شامل موارد دیگر خمس نیز هست، پس مقید کردن آن به سال خمسی معنا ندارد (حکیم، ۱/ ۲۲۶).

نقد استناد به عبارت سوم: «فَأَمَّا الْغَنَائِمُ وَالْفَوَائِدُ فَهِيَ وَاجِبَةٌ عَلَيْهِمْ فِي كُلِّ عَامٍ» ظاهر روایت تا حدی دچار تناقض است و برداشت تعیین سال خمسی از ظاهر آن منتفی است و قطعاً مراد از آن سال خمسی نیست. جهت ادراک این موضوع باید به نکات ذیل توجه کرد.

اولاً: ظاهراً امام (ع) با آوردن «فاء»^۱ و «أما»^۲ در «فَأَمَّا الْغَنَائِمُ» ضمن اشاره به تغییر موضوع سخن، بین موضوع جدید با موضوع قبل تفصیل می‌دهند. و تفصیل به این دلیل است که حکم موضوع جدید با موارد قبل متفاوت است. یعنی بر خلاف موارد قبل که خمس واجب نبود، در مورد «غنائم و فوائد» واجب است. و این تفصیل نیاز به قید زمان داشت، و امام (ع) برای تعیین آن از «کُلِّ عَامٍ» استفاده نمودند.

ثانیاً: با دقت در معنای «الْغَنَائِمُ وَالْفَوَائِدُ» تناقض ظاهری روایت مشخص می‌شود. امام (ع) با ذکر «فوائد» معنای کلمه غنائم را نیز توضیح دادند. و سپس فرمودند: «فَهِيَ الْغَنِيمَةُ يَغْنُمُهَا الْمَرْءُ وَالْفَائِدَةُ يَفِيدُهَا» و به صورت مختصر پاسخی به شبهه «عدم تعلق خمس به غیر از غنائم جنگی» را نیز دادند. معنای لغوی غنائم جمع الغنیمه از ریشه «غنم» و به معنای «فیء» یعنی آنچه بدون جنگ از کفار به دست آید و «غُنْمًا» بالضم و «غُنْمَه» را «زیادته و نماوه و فاضل قیمت» یعنی سود و فایده معنا کرده‌اند (ابن مکرم، ۱۲/ ۴۴۵). در کتاب شمس العلوم: «أصل الغنم: الربح و الزيادة.» آمده است. (حمیری، ۸/ ۵۱۹) اما معنای فائده از ریشه فود، در «تاج العروس» به معنای: به دست آوردن یا از دست دادن مال یا ... است (زبیدی، ۵/ ۱۷۱). در روایتی از اصول کافی از معصوم (ع) سؤال شد منظور از فائده چیست؟ حضرت در جواب فرمودند: «... و فایده آنچیزی است که به تو برسد از سود تجارت‌ها، یا محصول کشاورزی که به ثمر رسیده، یا جایزه...» (عاملی، ۱/ ۵۴۵) در نتیجه معنای «غنیمت» اعم از غنائم جنگی است و شامل کلیه اموال و منافع مکتسب انسان می‌شود.

اما تناقض مورد بحث در روایت، با توجه به معنایی که برای «غنائم و فوائد» ذکر شد، ظاهر می‌شود. زیرا قبل از اینکه امام (ع) حکم و جوب پرداخت خمس «غنائم و فوائد» را ذکر کنند، بسیاری از مصادیق این دو از «سود تجارت‌ها و خدم و حشم و ظروف و ...» را استثناء نمودند و پرداخت خمسشان را در آن سال، واجب ندانستند. بنابراین در «فَأَمَّا الْغَنَائِمُ وَالْفَوَائِدُ فَهِيَ وَاجِبَةٌ عَلَيْهِمْ فِي كُلِّ عَامٍ» عبارت «فهی واجبه علیهم» ظاهراً با عبارت «وَلَمْ أُوجِبْ ذَلِكَ عَلَيْهِمْ...» در تناقض است. چراکه در حکم اخیر مصادیقی را

۱ فاء عطف، به سه معنا به کار می‌رود: ۱. ترتیب ۲. تعقیب ۳. سببیت. (ابن هشام، ۱۶۱) که در اینجا ترتیب را می‌رساند.
۲ برای «أما» سه معنا ذکر شده: ۱. شرط ۲. تفصیل ۳. تأکید که در اینجا به معنی تفصیل است. همانند آیه ۱۷۵ سوره نساء «فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِّنْهُ...» (ابن هشام، ۶۱)

واجب می‌دانند که قبلاً فرمودند واجب نیست.

اما راه رفع این تناقض، توجه به قیده‌های کلام است. یعنی قید «سِنْتِی» برای «وَلَمْ أُوجِبْ» و قید «فِی کُلِّ عَامٍ» برای «فَهْی وَاجِبَةٌ». و برای جمع این دو حکم باید بگوییم: امام با صدور حکم اول، در صدد بیان یک حکم ثانوی برای تخفیف به مکلفان بود و با حکم دوم در صدد بیان حکم اولیه، برای پرداخت خمس در تمام دوران‌ها بوده‌اند. خصوصاً که امام با علم امامت، آگاه بودند که سال صدور این حکم («سِنْتِی هذِهِ» ۲۲۰ ق) آخرین سال عمر شریفشان بوده است. لذا با بیان حکم اولیه مردم را نسبت به وجوب خمس، آگاهی دادند تا پس از ایشان کار برای ائمه بعد دشوار نشود. در هر صورت عبارت «کُلِّ عَامٍ» در روایت، دلالتی بر شیوه و زمان پرداخت خمس ندارد. و ذکر «کُلِّ» یک قرینه محسوب می‌شود تا بدانیم این یک قید برای امد حجیت حکم است. همچنین قطعاً مراد از «کُلِّ عَامٍ» و «سِنْتِی هذِهِ» سال قمری بوده است، نه سال خمسی مد نظر علماء. و گر نه ذکر «هذِهِ» و ذکر سال «۲۲۰ ق» در متن روایت لغو بود.

وجود روایت ناقض:

اما در روایت حکیم از امام صادق (ع) اینگونه آمده است:

حُكِيمٌ مُؤَدِّنٌ بِنِي عَبَّسٍ مِيْ كَوَيْدٍ: «به امام صادق (ع) عرض کردم: آیه «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ» (الأنفال: ۱۱) [مقصودش چیست؟] امام صادق (ع) در پاسخ فرمودند: والله این آیه می‌رساند [وجوب] روز به روز را. اما پدرم شیعیان را در این مورد آزاد قرار داد تا پاک بمانند. [مرتکب اکل حرام نشوند] (طوسی، تهذیب، ۴/ ۱۲۲) بر اساس این روایت، با استناد به آیه که قید (انما غنمتم) را مطلق آورده و به سال مقیدش نکرده، معلوم می‌شود، صرف کسب غنیمت و کسر مئونه برای وجوب پرداخت خمس کافی است، هر چند مجبور باشیم به صورت روزانه خمس را بپردازیم. پس تأخیر از پرداخت روزانه خمس، تنها به واسطه اجازه امام جایز است. و ما در زمان غیبت، چنین شرایطی برای کسب اجازه نداریم. مگر آنکه بگوییم مرجع تقلید به عنوان نائب عام امام، می‌تواند چنین اجازه‌ای صادر کند.

۳. عرف عقلاء: استدلال برخی از علماء (مکارم، انوار الهدایه، ۳۳۱) این است که: عقلاء وقتی بخواهند سود و مخارج را برای هر انسانی بسنجند، مجموع دارایی یکساله را محاسبه، و مخارج همان سال را از آن کسر می‌کنند؛ و زیاده را سود خالص می‌دانند. و در تجارت‌ها و صنایع و کشاورزی و حتی در دولت‌ها و حکومت‌ها هم سود و زیان را سالیانه محاسبه می‌کنند. و اطلاق قول معصوم علیه السلام («الخمس بعد المئونه») (حرعاملی، ۹/ ۵۰۰) منصرف بر همین نگاه متداول عرفی بین آن‌هاست.

اما این دلیل نیز مردود است به اینکه اولاً: در روایات آنچه ذکر شده، تنها کسر مئونه است^۱. و حقیقت

۱ ر. ک: روایت ابن ابی نصر از امام صادق (ع). (حرعاملی، ۹/ ۵۰۸)

«مئونه» اگرچه مطلق است، اما نسبت به حوائج انسان از قبیل: خوراک مورد نیاز، پوشاک، مسکن، درمان و سفر و... متفاوت می‌شود. و تعیین زمان برای سنجش هر کدام فرق می‌کند. به عنوان مثال: اگر فردی غذای ذخیره برای روزهای آتی دارد، چه موقع می‌گوییم «بیشتر از نیازش» است؟! یا کسی که برای آینده لباس دوخته، چه موقع می‌گوییم این‌ها مازاد بر نیازند؟! یقیناً عقلاء برای همه این‌ها معیار «سال» را قبول ندارند. نکته دیگر آن‌که: آیا نگاه عرف و دین در مورد پس‌انداز یکی است؟ مثلاً: نظر دین در مورد ذخیره غذا در جایی که احتمال قحطی یا عدم تکسب نمی‌رود چیست؟ آیا عقلاء در این موارد، عرف بخصوصی دارند؟ به فرض اثبات این عرف عقلانی، با اندکی بررسی متوجه می‌شویم بین این عرف و آنچه نظر مشهور در مورد خمس است، تفاوت جدی وجود دارد. به عنوان مثال: پس‌انداز غذا برای یک‌سال از نظر عقلاء غالباً بیش از نیاز است، ولی از نظر مشهور تا زمانی که سال خمسی نرسیده بیشتر از مئونه محسوب نمی‌شود. همچنین در ردّ این وحدت رویه وقتی به کتب فقهی مراجعه می‌کنیم، یکی از مستحبات تجارت، ترک سود گرفتن از مؤمنین پس از کسب قوت روزانه ذکر شده است (شهیدثانی، الروضه، ۳/۲۹۲) همانگونه که در روایات نیز اشاره شده است (طوسی، تهذیب، ۷/۷) در حالی که عرف، خلاف آن عمل می‌کند. لذا بین عرف و دین لزوماً نمی‌توان وحدت رویه‌ای وجود داشته باشد.

۴. سیره مشرعه: تعدادی از علماء نیز استدلال کرده‌اند که: ما در بین مشرعه در پرداخت خمس به صورت سالیانه و تعیین سال خمسی، یک سیره مستمره می‌بینیم. که به جهت ابتلای فراوان به این موضوع، نمی‌تواند اتفاقی باشد و قطعاً این کاشف از قول معصوم است.

در پاسخ باید گفت اولاً: دلیلی بر استمرار این سیره تا زمان معصومان وجود ندارد. ثانیاً: یکی از دلایل وجود سیره، فتاوی‌ای علماء است. و قبلاً ذکر شد که مخالفینی نیز داشته است و همچنین به جهت مدرکی بودن اجماع منقول، این فتاوا حجیت ندارند.

مبدأ سال خمسی

با توجه به دیدگاه مشهور مبنی بر رخصت مکلف در تأخیر پرداخت خمس تا یک سال، و حتی بر مبنای معیار بودن «تحقق کسر مئونه»، باید مبدئی برای این بازه زمانی معین شود. لذا باید به این سؤال پاسخ داد که مبدأ دوره محاسبه خمس چیست؟ در پاسخ سؤال، اقوال علماء متفاوت است. سبحانی (سبحانی، 93/10/29 درس خارج) به ۴ قول اشاره دارند: ۱. ظهور ربیع^۱. ۲. شروع به تکسب^۲. ۳. تفصیل

۱ علمایی از جمله: آقا ضیاء (۲۸۵/۴) وحید خراسانی (مسئله ۱۷۶۹ و ۱۷۷۰) مکارم شیرازی (مسئله ۱۴۷۵) و سیستانی (مسئله ۲۲۹۸ و مسئله ۲۳۰۰).

۲ علمایی از جمله: شهید ثانی (روضه، ۷۸/۲: همو، مسالک، ۱/۴۶۷) و صاحب مدارک (۳۹۱/۵)

بین فواید اکتساب و فوائد اتفاقیه^۱ ۴. تفصیل بین امثال صنعت و تجارت با امثال زراعت و کشاورزی.^۲ اما در این مسئله دو مبنای اصلی وجود دارد که یکی شروع به تکسب و دیگری ظهور یا حصول ربح است. و دو مورد تفصیلی دیگر، هیچ دلیل فقهی برای آن ذکر نشده و در هیچ جایی از روایات به آن اشاره نشده است، و علاوه بر این در حقیقت بازگشت آن‌ها نیز به دو مورد قبل است. یعنی ابتدا باید مشخص شود معیار، ظهور ربح است یا شروع به تکسب؟ لذا ضروری است که ضمن بررسی ادله هر کدام، مبنای صحیح تبیین شود.

۱. **ادله قائلان به «شروع کسب»:** ۱. اگر مبنای ظهور ربح یا شروع به کار را به صورت مجزا در هر شغل معیار قرار دهیم، این مستلزم به هم ریختگی و هرج و مرج در محاسبات مردم می‌شود؛ چرا که باید برای هر منفعت جدیدی مبدأ سال خمسی مجزا در نظر گرفت و نمونه را به صورت مشخص از یکی یا چند تا از آن‌ها کسر کرد و زیاده را برای هر کدام جداگانه سنجید. و این واقعاً مشکل است. و این امر موجب تکلیف بما لا یطاق و موجب عسر و حرج خواهد شد (مکارم، انوار الهدایه، ۳۳۳/۲). متعارف بین مردم مشرع در گذشته و حال، محاسبه به همین صورت بوده است. و با توجه به نبود حکم تعبّدی از جانب شارع، مرجع تشخیص، عرف خواهد بود. و حتی اگر ما مبنا را ظهور ربح نیز بگیریم با توجه به تدریجی بودن حصول ربح در غالب مکاسب، عرفاً ملازم خواهد بود با شروع به کسب (سبزواری، ۴۴۳/۱۱).

اما در پاسخ به دلیل اول می‌توان گفت: اولاً: بر اساس این مبنا که معیار وجوب خمس، «مازاد بودن بر نیاز است» (نه گذر سال)، باید دقت کرد که بر اساس عرف رایج بین عقلاء، به طور کلی تأمین نیازهای اساسی انسان، به دو شیوه اتفاق می‌افتد: برخی نیاز به پس انداز دارند و برخی خیر. پس تمام پس اندازهایی که برای رفع نیاز اساسی بشر است، بر مبنای استثنای نمونه، متعلق خمس نیستند. و بقیه اموالی که مورد نیاز نیستند محاسبه آن‌ها بسیار آسان است. ثانیاً: اگر معیار وجوب خمس را «اتمام مهلت یکساله از زمان ظهور ربح» نیز فرض کنیم، باید توجه داشت که در زندگی عموم مردم، کمتر دارایی به چشم می‌خورد که تا یک سال بدون استفاده و مازاد بر نیاز باشد و اگر هم هست به راحتی قابل تشخیص و محاسبه است، موارد استثناء نیز عموم البلوی نیستند تا هرج و مرج عمومی ایجاد کنند. ثالثاً: بی شک شارع مقدس در مقام تکلیف، عسر و حرج را بر مکلفان نپسندیده است. پس محاسبه تقریبی که رافع تکلیف باشد کفایت می‌کند. رابعاً: محاسبه اموال و اعمال انسان از موارد مورد توصیه شارع است، اگرچه سختی‌هایی دارد. و

۱ علمایی از جمله: شهید اول (۲۵۹/۱) و علامه حلی (۱۸۴/۱) و صاحب حدائق (۳۵۴/۱۲) و صاحب عروه (۲۸۵/۴) و بروجردی (توضیح المسائل، مسئله ۱۷۶۱ و ۱۷۶۲ و ۱۷۶۳) و مرعشی نجفی (۲۸۸/۱) و سبزواری (۴۴۳/۱۱) و کاشف الغطاء (سفینه النجاة، ۱۱۹/۲)
 ۲ علمایی از جمله: سید ابو الحسن اصفهانی (۲۸۵/۴) و گلپایگانی (۲۸۵/۴) و امام خمینی (۳۵۷/۱) مسئله ۱۰. فاضل لنگرانی (تعلیقات عروه، ۱۹۳/۲).

توجه معصومان (ع) به محاسبه نفس (مجلسی، ۷۳/۶۷) و دقت در کسب مال (مجلسی، ۱۰۳/۱۰)، در روایات به وفور ملاحظه می‌شود. خامساً: یک جواب نقضی وجود دارد. و آن وجود همین مشکل مذکور حتی در شیوه رایج است. چراکه: ۱. حتی بر مبنای شروع به کسب نیز با توجه به تعدد کسب‌ها این مشکل وجود دارد، مگر آن‌که بگوییم مطلق کسب، معیار است که دلیل روایی ندارد. ۲. به اجماع علماء، مالی که خمسش پرداخت شده دیگر خمس ندارد؛ با این فرض آیا جدا کردن اموالی که در طی سالیان گذشته خمسش را داده‌اند از بقیه اموال، ایجاد هرج و مرج نمی‌کند؟

در پاسخ به دلیل دوم نیز باید گفت: اولاً: نظر به تفاوت فتاوا، وجود سیره واحد منتفی است. ثانیاً: استمرار این سیره تا زمان معصومین اثبات نشده است.

۲. **ادله قائلان به «ظهور ربیع»:** اولاً: در آیه «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَلِلَّهِ خُمُسُهُ وَ...» (انفال: ۴۱) وجوب پرداخت خمس بر زمان کسب غنیمت موکول شده، نه بر زمان شروع به کسب یا جمع آوری غنائم. ثانیاً: نقش «أنما» در جمله در کنار «غنمتم» به این معنا که «هر وقت سودی به دست آوردید» نه وقتی که شروع به جنگ یا شروع به کسب کردید. این به صراحت معیار «ظهور ربیع» را تأیید می‌کند. ثانیاً: روایات با عبارات مختلف ظهور دارند در مبنای بودن «ظهور ربیع». از جمله: در روایت عبدالله بن سنان از امام صادق (ع) که ایشان فرمودند: «حَتَّى الْخِيَاطُ - يَخِيْطُ قَمِيصاً بِخُمْسَةِ دَوَانِيْقٍ - فَلَنَا مِنْهُ دَانِيْقٌ» (حرعاملی، ۵۰۱/۹؛ آقا ضیاء، عروه محشی، ۴/۲۸۵) در این روایت تعلق خمس به پس از کسب سود معلق شده است. و خیاطی که ۵ درهم سود به دست آورد به عنوان مثال ذکر شد، و خمس آن را امام بیان فرمودند. همچنین در روایت ابی بصیر از امام صادق (ع) در مورد کسی که باغستانی دارد و از میوه‌های آن می‌خورد و مقداری را می‌فروشد، امام (ع) فرمودند: «أَمَّا مَا أَكَلَ فَلَا - وَأَمَّا الْبَيْعُ فَنَعَمْ هُوَ كَسَائِرِ الضِّيَاعِ.» (حرعاملی، ۵۰۳/۹) اگر ملاک «شروع به کسب» بود امام به او می‌فرمود: از زمان شروع باغداری یک سال فرصت داری! درحالی‌که کلام برخلاف این ظهور دارد. همچنین از مجموعه روایاتی که متعلق خمس را فواید و یا ربیع می‌دانند مانند روایت سماعة که می‌گوید: «سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَنِ الْخُمْسِ - فَقَالَ فِي كُلِّ مَا أَفَادَ النَّاسُ مِنْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ.» (حرعاملی، ۵۰۳/۹) استدراک می‌شود که وجوب خمس پس از صدق فایده یا ربیع است. و این قطعاً پس از ظهور ربیع است. و ثالثاً: حکم عقل این است که: تعلق حکم وجوب خمس به چیزی که وجود خارجی ندارد ممکن نیست. و کسر مئونه که متقدم بر کسر خمس از مال است، تنها پس از ظهور ربیع، امکان‌پذیر است.

نتیجه بررسی ادله:

بدین ترتیب بنابر عبارات فوق، خمس هر فایده‌ای به مجرد ظهور، باید پرداخت شود، جز این که ادله

دلالت بر جواز تأخیر تا برداشت هزینه‌های معمول و روزمره زندگی دارد. ولی پس از کسر نمونه، باید خمس باقیمانده پرداخت شود. و آلا دلیلی بر تأمل یکساله نداریم. دلیل دیگری هم وجود ندارد که حکم به جمع و محاسبه مجموع فواید یکساله و کسر موونه‌های یکساله داشته باشد و خمس را بعد از چنین محاسبه‌ای لازم بداند. لذاست که نمونه را باید با زمان ظهور ربح و فایده سنجید تا بتوان هر نمونه‌ای را از فواید موجوده کسر کرد.

شیوه محاسبه زیادی ربح در افراد چند شغله

اگر کسی رشته‌های کاری متنوعی داشته باشد، که از هر یک درآمدی کسب کرده و سودی می‌برد؛ و ما قائل به تعیین سال خمسی به صورت رایج نباشیم و معیار را صرفاً مازاد بودن ربح حاصل شده بدانیم، دیگر فرقی بین مشاغل مختلف نخواهد بود. اما بر فرض پذیرش مبنای مشهور در تعیین سال خمسی، در مورد اینکه آیا باید برای هر یک از رشته‌های کاری و درآمد آن، سال جداگانه‌ای در نظر گرفته و سود و نمونه را نسبت به همان محاسبه کند؟ یا یک سال از اولین روز تکسب یا ظهور ربح را به عنوان سال خمسی خود تعیین کرده و در این دوره هر آنچه از سود بدست می‌آورد و هزینه‌های روزمره زندگی را با هم کسر و انکسار کرده و از باقیمانده، خمس را خارج کند؟ سه دیدگاه وجود دارد.

دیدگاه اول: جمع تمام درآمدها و کسر نمونه از آن است. قول مشهور^۱ بر آنست که مجموع فوایدی که در طول سال بدست مکلف می‌رسد موضوع واحدی برای خمس بوده و بعد از استثنای هزینه‌های یکساله از سود یکساله انواع رشته‌های کاری، خمس باقیمانده را باید محاسبه و اخراج نماید.

دیدگاه دوم: برای هر رشته کاری سال جداگانه باید در نظر گرفت. این قول منتسب به مرحوم کاشف الغطاء و ابن براج (۱۷۹/۱) و قول شهید در مسالک (۷۸/۲) و مرحوم آیه الله خوئی (منهاج الصالحین، ۱/۳۳۵) است. آن‌ها معتقدند که برای هر رشته کاری و سودی که از آن بدست می‌آید از زمان سود آوری، یک سال خمسی مستقل تعیین کرده و می‌توان هزینه‌های هر سال خمسی از سود همان دوره کسر کرد و در باقیمانده اموال هر یک از آن مشاغل در سر سال خمسی خود، باید خمس را خارج کرد.

دیدگاه سوم: تعدادی از علماء نیز قائل به تفصیل بین درآمدها هستند. شهید اول در دروس (۲۵۹/۱) و صاحب معالم (۱۸۴/۱) و صاحب حدائق (۳۵۴/۱۲) و امام خمینی (۹۱/۲) سبحانی (۳۳۰)؛ همو درس خارج (۲۹/۱۰/۹۳) و سیستانی (مسأله ۲۲۹۸ و مسأله ۲۳۰۰). اصفهانی (عروه محسّی، ۴/۲۸۵)

۱ از جمله: شهید اول (۲۵۹/۱) و صاحب جواهر (۵۲/۱۶) و شیخ طوسی (۱۱۸/۲) و ابن ادریس حلی (۴۸۵/۱) و محقق حلی (۶۳/۱) و علامه حلی (۲۹۲/۱) و سید ابوالحسن اصفهانی (۳۰۷) اراکی (۲۸۶) مرعشی نجفی (۲۸۸/۱) و مکارم (مسئله ۱۴۷۵)

قائل به تفصیل بین درآمد کسب و درآمدهای اتفاقی هستند. و تأخیر در پرداخت خمس درآمدهای اتفاقی و تعیین سال خمسی مجزاً را جایز می‌دانند.

مستندات دیدگاه اول: اول اطلاق قول معصوم (ع) در روایت علی بن مهزیار است. همانگونه که ذکر شد در صحیحۀ علی بن مهزیار آمده است: «فاما الغنائم و الفوائد فهی واجبة علیهم فی کل عام» و ظاهر این عبارت به ما می‌فهماند که باید مجموع درآمد را در نظر گرفت، نه این که برای هر درآمدی سال مستقلی را قرار دهیم. و این که گفته شود: شارع در مقام بیان تعیین مبدأ سال خمسی نبوده؛ با توجه به ظاهر عبارت «فی کل عام» مردود است.

در رد این دیدگاه می‌توان گفت: اگر اطلاق را قبول کنید باید برای کل مردم یک روز مشخص را برای دریافت خمسشان قرار دهید، چراکه «فی کل عام» ظهور دارد در همین سالهای قمری، همانگونه که سلاطین برای اخذ مالیات انجام می‌دهند. در حالی که هیچ کس این را قبول ندارد. همچنین پاسخ‌هایی که قبلاً به این حدیث داده شد، اینجا هم صدق می‌کنند.

اما دلیل دوم: سیره متشرعه است. همدانی (۱۴/۱۸۷) و آیت الله مکارم (انوار الهدایة، ۳۳۳) و محقق داماد (۳۲۵) به این استدلال کرده‌اند که عموم افراد متشرع، سود یک سال خود را جمعاً و بدون در نظر گرفتن مشاغل مختلف، محاسبه می‌کنند. و در پایان سال با کسر هزینه‌های یک‌ساله از سود همان سال، خمس باقیمانده را می‌پردازند. این در حالی است که بیشتر مردم دارای مشاغل متعددی هستند، از زراعت و تجارت و..... و اگر برای هر کدام از آن‌ها وجود یک سال خمسی مشروع بود، باید از گذشته تا به حال، این موضوع رایج می‌بود. در حالی که خلاف آن رایج است.

اشکال به این دلیل: اولاً: وجود این سیره جز در بین مردم معاصر اثبات شده نیست. و ما نیز هیچ دلیلی بر اتصال این سیره به زمان معصومان نداریم. و همان‌طور که از روایت علی بن مهزیار استظهار می‌شود، در بسیاری از دوران‌ها خمس به واسطه ارفاق معصومان یا نبود شرایط، پرداخت نمی‌شده است. لذا نمی‌توان سیره واحدی را که کاشف از نظر معصوم (ع) باشد اثبات نمود. ثانیاً: متشرعین حقیقی تابع فتاوی‌ای علمای خود هستند، لذا با توجه به عدم اجماع و نظرات مختلف علماء، بی شک سیره واحدی از مکلفان نباید انتظار داشت. پس وجود این سیره منتفی است.

مستندات دیدگاه دوم:

اطلاق آیه خمس و روایات و دلیل عقل. در آیه «فإذا غنمتم...» (الأنفال: ۴۱) و جوب پرداخت خمس منوط به کسب غنیمت شده، بدون اینکه جنگ‌ها و یا مشاغل مختلف را جمع کند و بدون اینکه بین آن‌ها تفصیل قائل شود. پس با کسب هرگونه غنیمت و فایده‌ای، چنانچه بی جهت خمس آن را تأخیر ببیند، تفصیل قائل شود.

در نزد شارع معذور نخواهیم بود. و اگر دلیلی بر اجازه شارع بر تأخیر داریم، این اجازه کلی است و خطاب شامل هر ربی منفرداً و مستقلاً خواهد شد، و معیار آن کسر نمونه است. و ما دلیلی بر تجمیع و کسر از این مهلت شرعی در برخی از منافع را نداریم. پس زمان شروع این مهلت برای هر ربی، زمان ظهور آن خواهد بود.

همچنین در روایاتی مثل «حَتَّى الْخَيَاطِ - يَخِيْطُ قَمِيْصًا بِخَمْسَةِ دَوَانِيْقٍ - فَلَمَّا مِنْهُ دَانِيْقٌ» (حرعاملی، ۹/۵۰۳) و روایت: ابی بصیر از امام صادق (ع) در مورد کسی که باغستانی دارد و از میوه‌های آن می‌خورد و مقداری را می‌فروشد، که امام فرمودند: «آنچه خورده خمس ندارد و اما آنچه فروخته مانند دیگر درآمدها است.» (حرعاملی، ۹/۵۰۳) و اطلاق قول معصوم (ع): «أَنَّ الْخُمْسَ بَعْدَ الْمُتَوَنُّةِ.» (حرعاملی، ۹/۵۰۸) و از همه این روایات بر می‌آید که به محض کسب فائده و سود، و محاسبه نمونه، پرداخت آن واجب است، اگرچه وجوب آن را موسع بدانیم. در هر صورت در روایات چیزی که دلالت بر جمع بین فوائد کند و پس از آن بخواهد یک سال کلی تعیین کند نداریم. پس با کسب غنیمت و سود، حکم وجوب خمس فعلیت پیدا می‌کند. و به حکم و دلیل عقلی نیز، کسر نمونه در برخی نیازها (از قبیل مسکن و مرکب و...) بسته به شرایط افراد متفاوت است. و ممکن است رفع این نیاز هزینه‌های زیادی را متحمل شود، و به همین جهت مکلف نیازمند به جمع فوائد خود در مدتی بیش از یک سال باشد. و ما نمی‌توانیم او را بدون دلیل وادار کنیم از درآمدهای اخیر خود خمس را کسر کند، درحالی که نتوانسته نیاز حقیقی خود را برطرف سازد. و این عمل برخلاف روایات است که مهلت کسر نمونه از ربح را کلی و بدون محدودیت گذاشته است. و فرموده: «الخمس بعد المتونة».

مستندات دیدگاه سوم: اما برای قول سوم دلایل مستقلاً نیافتیم. تنها سبحانی در درس خارج فقه خود، پس از ذکر نظریه خود مبنی بر تفصیل بین شغل‌های با درآمد تدریجی و درآمد دفعی، می‌فرمایند: «و ما ذكرناه من التفصيل هو الأحوط وإلا فالأقوى ما عليه صاحب الجواهر من أن المنساق من النصوص و الفتاوى احتساب مؤونة السنة من أول حصول الربح، إذ ذلك وقت الخطاب بالخمس» (سبحانی، درس خارج ۲۹/۱۰/۹۳) پس ایشان قول صاحب جواهر را که قائل است به مبدأیت ظهور ربح برای سال خمسی در تمام انواع مکاسب را اقوی می‌دانند و آن را با سیاق روایات هم‌سوتر دانسته‌اند. اما نظر خودشان را از جنبه رعایت احتیاط، صحیح‌تر می‌دانند. و دلیل دیگری برای آن ذکر ننموده‌اند.

نتیجه‌گیری

اولاً: همانطور که ذکر شد، در هیچ جایی از روایات تصریح به تعیین سال خمسی نشده است. و تنها

روایتی که در این خصوص بدان استناد شده، روایت علی بن مهزیار است. اما ظاهر این روایت نیز براساس شرایط استثنایی آن دوره، غیر قابل استدراک است. خصوصاً اینکه ظاهر عبارات مورد استناد در این روایت، نیز با موضوع دعوا بکلی تفاوت دارند و کاملاً در اثبات مدّعی ناتوان است. و از مجموع دلایل مطرح شده در این باب، تنها اجماع علماء، که به صورت منقول از محقق اردبیلی و صاحب مدارک و صاحب جواهر، مطرح شده قابل تأمل است. البته با وجود مخالفت «ابن براج» اجماع به معنای حقیقی کلمه نیست. اما مدرکی بودن اجماع مذکور و همچنین وجود روایت معارض با این اجماع از امام صادق (ع) که فرمودند: «هی والله افادة يوم بیوم» کار را برای حجّیت این اجماع سخت کرده است. مضافاً بر آن اطلاق روایات تنها عامل تأخیر در پرداخت خمس را «کسر مئونه» ذکر کرده‌اند. به گونه‌ای که می‌توان گفت: این تریخیز در پرداخت خمس تنها به خاطر اختیارات مراجع، حجیت شرعی دارد. وگرنه از روایات نمی‌توان چنین چیزی را استدراک کرد.

ثانیاً: با توجه به اینکه حکم وجوب خمس، نیاز به متعلّق دارد. مبدأ این واجب موسّع نمی‌تواند «شروع به کسب باشد»، چراکه قبل از ظهور ربیع، نمی‌توان متعلّقی برای این وجوب در نظر گرفت. و اصلاً وجوب خمس قبل از ظهور ربیع معقول نیست و ظاهر آیه «أنا غنمتم...» و روایات «کل فائده یفیدها...» نیز دلالت بر ظهور ربیع دارند. پس تنها معیار وجوب خمس، «ظهور ربیع و اضافه بودن از مئونه» است.

ثالثاً: با توجه به اینکه «ظهور ربیع» معیار شروع واجب موسّع است. تفاوت راه کسب این ربیع، هیچ نقشی در زمان کسر مئونه نخواهد داشت. و تفصیل بین مشاغل با درآمدهای تدریجی و دفعی، بی‌معنا خواهد بود. خصوصاً این که برای این تفصیل در روایات، هیچ مؤیدتی وجود ندارد. همچنین برای جمع سود مکاسب مختلف (برای افراد چند شغله) و کسر مئونه یک ساله پس از شروع به کسب نیز هیچ مؤیدتی وجود ندارد و اطلاق روایات مخالف با آن است. و چون از درآمد پایانی سال، «کسر مئونه» به صورت حقیقی اتفاق نمی‌افتد، مخالف با روایات نیز هست.

پس به طور کلی معیار برای پرداخت خمس، «وجود و ظهور ربیع» در ملکیت و ید مکلف است که آن را از راه کسب مشروعی به دست آورده و مازاد بر مئونه عرفی خود و عیال واجب النفقه‌اش است. و گذشت سال از شروع به کسب یا ظهور اولین ربیع، معیار نیست.

منابع

- ابن ادریس، محمد بن احمد، *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.
 ابن براج، عبد العزیز بن نحریر، *المهذب (لابن البراج)*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۶ ق.
 ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.

- اراکى، محمد على، *رسالة في الخمس*، در يك جلد، قم، مؤسسه در راه حق، چاپ اول، ١٤١٣ ق.
- اردبیلی، احمد بن محمد، *مجمع الفائدة و البرهان في شرح إرشاد الأذهان*، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ١٤٠٣ ق.
- اصفهانى، ابو الحسن، *وسيلة النجاة (مع حواشى الإمام الخميني)*، در يك جلد، قم، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني قدس سره، ١٤٢٢ ق.
- انصارى، ابن هشام، *المغنى اللبيب*، بيروت، دارالفكر للطباعة، ٢٠٠٧ م.
- انصارى، مرتضى بن محمد امين، *كتاب الخمس*، در يك جلد، قم، كنگره جهاني بزرگداشت شيخ اعظم انصارى، ١٤١٥ ق.
- بحرانى، يوسف بن احمد، *الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة*، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ١٤٠٥ ق.
- بروجردى، آقا حسين، *توضيح المسائل*، شماره ديگيتالى: ٤٦٤٠، شماره كتابشناسى: ١/١٠٤١٥ ق.
- _____، *زبدة المقال في خمس الرسول و آل*، در يك جلد، قم، چاپخانه علميه، ١٣٨٠ ق.
- حرّ عاملى، محمد بن حسن، *وسائل الشيعة*، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ١٤٠٩ ق.
- حكيم، محمد سعيد، *مصباح المنهاج*، الناشر: مؤسسة الحكمة للثقافية الإسلامية، الطبعة الثانية، ١٤٢٨ ق.
- حميرى، نشوان بن سعيد، *شمس العلوم و دواء كلام العرب من الكلوم*، ١٢ جلد، بيروت، دار الفكر المعاصر، ١٤٢٠ ق.
- خراسانى، وحيد، *رساله توضيح المسائل*، بي تا، بي جا.
- خمينى، روح الله، *تحرير الوسيلى*، مترجم: على اسلامى، تحرير الوسيلى، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ١٤٢٥ ق.
- خونى، ابو القاسم، *منهاج الصالحين*، نشر مدينة العلم، قم، ١٤١٠ ق.
- سبحانى تبريزى، جعفر، *الخمس في الشريعة الإسلامية الغراء*، در يك جلد، قم، مؤسسه امام صادق عليه السلام، ١٤٢٠ ق.
- سبزوارى، عبد الأعلى، *مهذب الأحكام*، قم، مؤسسه المنار، چاپ چهارم، ١٤١٣ ق.
- سيستانى، على، *توضيح المسائل*، بي جا، چاپ سى و دوم، ١٣٩٣.
- شهيد اول، محمد بن مكى، *الدروس الشرعية في فقه الإمامية*، ٣ جلد، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ١٤١٧ ق.
- شهيد ثانى، زين الدين بن على، *الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية*، ١٠ جلد، قم، كتابفروشى داورى، ١٤١٠ ق.
- _____، *مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام*، ١٥ جلد، قم، مؤسسه المعارف الإسلامية، ١٤١٣ ق.
- صاحب جواهر، محمد حسن بن باقر، *جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام*، بيروت، دار إحياء التراث العربى، ١٤٠٤ ق.
- صيمرى، مفلح بن حسن، *غاية المرام في شرح شرائع الإسلام*، بيروت، دار الهادى، چاپ اول، ١٤٢٠ ق.

زمستان ۱۳۹۸ نقد و تحلیل دیدگاه مشهور در تعیین سال خمسی و دوره زمانی کسر مؤونه از ربیع ۹۱

طباطبایی حائری، علی بن محمد، *ریاض المسائل (ط - القديمة)*، مؤسسه آل البيت عليهم، بی تا.
طباطبایی یزدی، محمدکاظم بن عبدالعظیم، *العروة الوثقى (المحشی)*، ۵ جلد، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۹ ق.

_____، *العروة الوثقى*، ۲ جلد، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹ ق.

_____، *العروة الوثقى مع تعليقات الفاضل*، ۲ جلد، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار عليهم السلام، بی تا.

طوسی، محمد بن حسن، *الخلاف*، قم - ایران، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ ق.

_____، *تهذیب الأحكام*، تهران - ایران، دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ق.

عاملی، محمد بن علی، *مدارک الأحكام فی شرح عبادات شرائع الإسلام*، ۸ جلد، بیروت، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۱ ق.

علامه حلّی، حسن بن یوسف، *إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان*، ۲ جلد، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ ق.
_____، *تحریر الأحكام الشرعية علی مذهب الإمامیة (ط - الحديثة)*، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۲۰ ق.

_____، *تذکرة الفقهاء (ط - الحديثة)*، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۴ ق.

فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، *مفاتیح الشرائع*، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی (ره)، قم، چاپ اول، بی تا.

قطان حلّی، محمد بن شجاع، *معالم الدین فی فقه آل یاسین*، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۲۴ ق.

کاشف الغطاء، احمد بن علی، *سفینة النجاة و مشکاة الهدی و مصباح السعادات*، مؤسسه کاشف الغطاء، نجف اشرف، چاپ اول، ۱۴۲۳ ق.

کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، باب الفیء و الأتقال، تهران - ایران، دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ق.

متقی هندی، علی بن حسام الدین، *کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال*، مکتبة التراث الإسلامی، ۱۳۸۹ ق.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، *بحار الأنوار*، بیروت، مؤسسة الطبع و النشر، ۱۴۱۰ ق.

محقق حلّی، جعفر بن حسن، *المختصر النافع فی فقه الإمامیة*، ۲ جلد، قم، مؤسسة المطبوعات الدینیة، ۱۴۱۸ ق.

محقق داماد، محمد، *کتاب الخمس*، در یک جلد، قم، دار الإسرائ للنشر، ۱۴۱۸ ق.

مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، انتشارات دار الفکر، ۱۴۱۴ ق.

مرعشی شوشتری، محمد حسن، *دیدگاه های نو در حقوق*، تهران، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۴۲۷ ق.

مرعشی نجفی، شهاب الدین، *منهاج المؤمنین*، قم، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی - ره، چاپ اول، ۱۴۰۶ ق.

معلوف، لويس، المنجد، فرهنگ ابجدی عربی - فارسی، ترجمه احمد سیاح، تهران، انتشارات اسلام، چاپ ششم، ۱۳۸۵.

مکارم شیرازی، ناصر، أنوار الفقاهة - كتاب الخمس والأطفال، در یک جلد، قم، انتشارات مدرسه الإمام علی بن أبی طالب علیه السلام، ۱۴۱۶ ق.

_____، رساله توضیح المسائل، قم، انتشارات امام علی بن ابی طالب، چاپ چهل و هفتم، ۱۳۹۱. همدانی، آقا رضا بن محمد هادی، مصباح الفقیه، قم، مؤسسه الجعفریة لإحياء التراث و مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۶ ق.

وبگاه اینترنتی

سایت مدرسه فقهت، درس خارج فقه آیت الله سبحانی، ۹۳/۱۰/۲۹.

<http://www.eshia.ir/feqh/archive/text/sobhani/feqh/93/931029>

